

فضای ظهور منجی موعود در عرصه شعر فارسی

منصور نیک‌پناه*

چکیده

شعر، بازتاب و عصاره عقیدتی و فرهنگی یک جامعه است. شعرا در سروده‌هایشان بر مواردی تأکید دارند که مکنونات قلبی یا انتظارات و آرزوهای آن‌ها را دربر می‌گیرد. ظهور مصلح جهانی به عنوان یک آرمان و وعده الهی همواره مد نظر شعرا و عرفا قرار گرفته است و در این میان تمایزی بین فرق مختلف، مذاهب مختلف و ممالک مختلف دیده نمی‌شود. البته این مورد در دوره‌های مختلف نو سان دارد و در عین حال در بین طبقات مختلف سرایندگان زبان فارسی از قبیل شاعران درباری و آیینی این تفاوت قابل رصد است، تا جایی‌که بخش درخور توجهی از شعر شاعران مذهبی را در قالب شعر انتظار یا غیبت می‌توان منفک کرد و مجموعه‌ای کامل فراهم ساخت. نویسنده در این مجال بر آن است که با سیری کلی فضای سروده‌های مهدوی و ویژگی‌های آن‌ها را به تحریر درآورد.

واژگان کلیدی

شعر فارسی، منجی، موعود، حضرت مهدی (عج).

مقدمه

اسلام با توجه به این‌که دین تعقل و تفکر و علم و دانش است و از طرف دیگر طرفدار آزادی بیان و عقیده است، دارای شقوق و فرق متعددی شده که در هیچ‌یک از ادیان دیگر چنین رویکردی را نمی‌توان دید. این نیست، مگر به دلیل آزادی اندیشه و در عین حال، اهمیتی که اسلام نسبت به سایر ادیان، برای تفکر قائل است. از این‌رو، سه هزار و پانصد فرقه مذهبی را در بین مسلمانان برشمرده‌اند که در میان همه آن‌ها ظهور منجی با شاخصه‌های حضرت مهدی (عج) با اشتراک اسم و لقب ذکر شده است؛ یعنی تفاوت مذهب در بین فرق اسلامی تفاوتی در اصل ظهور ایجاد نکرده است و این بیان‌گر آن است که همچنان که فرق اسلامی از یک مشرب مشترک بهره‌مند شده‌اند، از مقصدی مشترک نیز برخوردارند.

بازتاب تصویر دوران رسالت امام عصر در شعر فارسی شامل مبارزه بنیادی و فراگیر با بیداد و بیدادگران در عرصه جهانی، رویارویی تمام‌عیار با کفر جهانی و ایادی آن، برقراری نظام قسط و عدل واقعی در گستره جهان، تحقق جهان‌شمولی دین مقدس اسلام و احیای ارزش‌های دینی، برقراری حکومت جهانی اسلام و حاکمیت فرهنگ اصیل اسلامی و رسوایی داعیه‌داران دروغین مهدویت و تبیین زشتی و پلیدی دجالان است. شعرای فارسی علاوه بر ترسیم تصویر جهان مصادف با ظهور، به شکوه و عظمت و جاذبه جهان آرام و سرتا پا عدل امام عصر اشاره کرده و لذت آن دوران را با ذره‌ذره وجود خود حس نموده‌اند و از یادآوری آن دوران، سرخوشی و امید را به جمع مخاطبان خود ارمغان بخشیده‌اند.

این درون‌مایه غنی شعری تا جایی سایه برکنش را بر دامنه وسیع ادب فارسی می‌گستراند که مضمونی خاص موسم به شعر غیبت و انتظار را ایجاد می‌کند. این محتوا در دوران معاصر، صیغه‌ای پررنگ در شعر دارد و مشتاقان و علاقه‌مندان پر شماری اعم از سرایندگان و مخاطبان را با خود همراه کرده است. از لحاظ محتوایی و درونی در قالب اشعار توصیفی و مناقبی، غیبت، انتظار، ظهور، توسل و نیایش... را عرضه می‌دارند. در شعر غیبت، با موضوعاتی شامل فلسفه و آثار غیبت امام زمان (عج)، اقامه براهین عقلی و نقلی درباره طول عمر، پیدایی و ناپیدایی، حالات و نحوه ارتباط، وظایف مسلمانان در ایام غیبت و حالات شیفتگان آن حضرت در زمانه غیبت روبه‌روه‌هستیم. شعر انتظار از مهم‌ترین زیرمجموعه‌های شعر مهدوی در زبان فارسی است. شور و حالی در شعر انتظار موج می‌زند که روایت‌گر انقلاب درونی شاعران مسلمان است. ردیف زیبای «بیا» در سروده‌های شعرا بیان‌گر شور و اشتیاق آن‌ها برای تجلی و ظهور حضرت ولی‌عصر (عج) است. این

ردیف شعری، مشکل شاعران آیینی را برای تبیین ابعاد انتظار، برطرف می‌سازد.
دجالیان به فتنه و غوغا برآمدند مهد جلال مهدی دشمن فکن بیا

(ابن حسام، ۱۳۶۶: ۳۳۲)

درون‌مایه غنی دیگر که در شعر مهدوی قابل رؤیت است، شعر دیدار با مضامینی از قبیل توسل و نیایش است. نیاز و تمنا در این نوع از شعر مهدوی، موج می‌زند و شاعر آیینی با برقراری ارتباطی باطنی با آن کانون نور و روشنی، رهایی خود را از چنگ ظلمت‌های درونی و بیرونی آرزو می‌کند. شعر دیدار نیز خاص آن کسانی است که در عالم بیداری به فیض دیدار جمال جمیل مهدوی نایل آمده‌اند و همچنین رباعی، مثنوی، دوبیتی، قصیده، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مسمط، سرود و شعر آزاد از قالب‌های مرسوم مورد استفاده شاعران است. از دیرباز، ذکر حضرت در شعر سراینندگان فارسی‌زبان به چشم می‌خورد؛ اگرچه در دوره‌های ابتدایی و آغازین وجه اعتقادی کمتر لحاظ می‌شود و بیشتر نماد ارزشمند و معتبر برای قیاس ممدوحان با مقام جلی حضرت است و در عین حال، اکثر سراینندگان سنی‌مذهب هستند. افرادی همچون حسن بصری، ابوالفرج رونی و قطران تبریزی از همان آغاز در سروده‌هایشان از امام عصر علیه السلام یاد می‌کنند. اما انوری با گلایه از اوضاع روزگار خویش، آرزوی ظهور آن حضرت را دارد. خاقانی از جهت بسامد، نام امام را بیشتر تکرار می‌کند. از نظر این شاعر، امام سمبل عدالت و ستیز با گمراهی گمراهانی از قبیل دجال است، گرچه در نهایت، محور یادکرد این شاعر نیز به رخ کشیدن هنر ممدوح است. نظامی در ستایش ملک مظفر قزلار سلان، نام امام را در شعرش می‌گنجاند. خواجوی کرمانی نیز در *همای و همایون* در ذکر ممدوح، نام حضرت را می‌برد. شاعران آیینی توجه عمیق‌تر و اعتقادی‌تری به حضرت مهدی علیه السلام داشته و با ژرفای درون به راز و نیاز می‌کردند.

سنایی غزنوی (م ۵۴۵ق) شاعر و عارف پرآوازه اهل سنت، در قصیده‌ای دردناک که درباره انقلاب حال مردم و تغییر دور زمان سروده، از غیبت حضرت مهدی علیه السلام با حسرت بسیار می‌کند و از این‌که در جهانی پر از دجالان عالم‌سوز حضور دارد، گلایه‌مند است. مطلع شعر وی چنین است:

ای مسلمانان، خلاق حال دیگر کرده‌اند از سر بی‌حرمتی، معروف، منکر

(سنایی غزنوی، ۱۳۸۸: ۱۴۸)

این راز و نیاز دردمندانه در قصاید و مقطعات دیگری نیز قابل دیده می‌شود. خاقانی هم از سرودن اشعار آیینی درباره حضرت بی‌بهره نیست. در قصیده «منطق الطیر» به این مورد توجه نشان داده شده است. عطار بارها به ذکر امام، کلامش را متحلی می‌سازد. تنها نکته‌ای که در سخن عطار علی‌حده محسوب می‌شود، یکی دانستن امام عصر علیه السلام با حضرت عیسی علیه السلام است. نکته جالب در کلام عطار، عقیده به عصمت امام همام است که با عنایت به سنی بودن شاعر، ارزش بالایی دارد:

ای گوهر کان فضل و دریای علوم وز رأی تو دُر درج گرد ون منظوم
بر هفت فلک ندید و در هشت بهشت نه چرخ چو تو پیشرو ده معصوم

(عطار نیشابوری، ۱۳۷۵: ۳۰)

در دیوان خواجوی کرمانی ترکیب‌بندی در هفده بند با نام «فی نعت الانبیاء و مناقب الائمة الاثنی عشر علیهم السلام» وجود دارد که بند شانزدهم آن به مهدی موعود علیه السلام تعلق گرفته است. ابن‌یمین فریومدی دو قصیده غرا در وصف حضرت دارد.

اما شاعری که ذکرش در این مقام ضروری است، ابن حسام خوسفی است که بارها به ذکر حضرت پرداخته و همچون سنایی از فساد و آشفتنگی روزگار گلایه‌مند است و آرزوی قیام امام عصر علیه السلام را دارد:
مرحبا ای مهدی آخر زمان آشکارا باش، پنهان تا به کی؟

(خوسفی، ۱۳۶۶: ۱۲۶)

ابن حسام خوسفی سروده‌های فراوانی در ذکر حضرت دارد؛ از جمله سه ترکیب‌بند مناقبی در ستایش حضرت ولّی‌عصر علیه‌السلام که در پیشینه شعر مهدوی در زبان فارسی بی‌سابقه است: الف) مناقب هفت‌رنگ با ردیف قرار دادن رنگ‌های سپید، سرخ، زرد، سبز، کبود، بنفش و سیاه؛ ب) مناقب هفت معدن با ردیف قرار دادن گوهر، لعل، یاقوت، عقیق، پیروزه، مروارید و مرجان؛ ج) مناقب هفت گل با ردیف قرار دادن نرگس، لاله، گل، نیلوفر، سنبل، سمن و سوسن. ابن‌حسام با ردیف ساختن هر یک از این رنگ‌ها و سنگ‌های قیمتی و گل‌ها، دست به کاری کارستان در شعر مهدوی زده و به خوبی از عهده آن برآمده است. شاه قاسم، انوار بشارت ظهور امام را در شعرش آورده است و بابافغانی نیز شعر مناقبی در وصف آن پیشگاه دارد. وی در ترکیب‌بند معروف خود در بند ششم به اوصاف حضرت می‌پردازد. اهلی شیرازی (م ۹۴۲ق) در بسیاری از اشعار مناقبی خود، از مهدی موعود علیه‌السلام یاد می‌کند و با عرض ارادتی بی‌شائبه، میزان ارادت قلبی خود را به آن وجود نازنین ابراز می‌دارد:

ای جان همه جان‌ها، روح‌القدس‌ی گویا
پنهان ز نظر اما، در دیده‌ جان پیدا
در مکه و در یثرب، شاهنشاه ذوموکب
در مشرق و در مغرب، خورشید جهان‌آرا
عیسای فلک‌رتبت، موسای ملک‌همت
دانا به همه حکمت، در علم نظر بینا
هم مهدی و هم حارث، بی‌ثانی و بی‌ثالث
در علم نبی وارث، عالم به همه اشیا
ای در همه جا معروف، از خلق و کرم
مهدی‌صفتی موقوف، از غیب برون فرما

(اهلی شیرازی، ۱۳۴۴: ۴۲۱)

سروده‌های این شاعر در یادکرد امام پرشمار است، به‌ویژه ترکیب پانزده بیتی. طالب آملی (م ۱۰۳۶ق) ملقب به «ملک الشعراء» در قصیده‌ گلایه‌ آمیز خود با خطاب قرار دادن حضرت ولّی‌عصر علیه‌السلام از نابسامانی‌هایی که دامن‌گیر امت اسلامی شده سخن می‌گوید:

طبعم کند در آتش معنی، سمندری وان‌گه فشانند از پر و بال، آب کوثری

(طالب آملی، بی‌تا: ۱۰۷)

آثار ملامحسن فیض کاشانی _ که سرشار از سروده‌های دل‌انگیز در وصف امام عصر است _ در قصیده‌ آیینی ضمن به تصویر کشیدن آلامی که از مردم زمانه خود دیده، راز کامیابی خویش را چنین بیان می‌کند:

بر عشق، هزار آفرین فیض کز دولت او، به حق رسیدم

(فیض کاشانی، ۱۳۷۱: ۳۸۰)

ملا محمد رفیع واعظ قزوینی _ شاعر سبک هندی _ از ارادتمندان مصلح آخر زمان است. وی چنین می‌سراید:
شد ز انتظار صاحب ما، چشم ما ما را به درد دوری آن مقتدا ببخش
(واعظ قزوینی، ۱۳۵۹: ۳۶۹)

شیخ محمدعلی حزین لاهیجی (م ۱۸۱۱ ق) قصاید مهدوی پرشوری در سبک اصفهانی دارد که از مضامین بکر و نازک خیالی‌ها سرشار است:
مهدی بگو و از شرف نام طغرای فخر، بر ورق آفتاب
(حزین لاهیجی، ۱۳۷۴: ۶۲۸)

حضرت امام خمینی علیه السلام انقلاب اسلامی ایران را مقدمه نهضت جهانی امام عصر علیه السلام می‌داند:

انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت _ ارواحنا فداه _ است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. (خمینی، ۱۳۷۱: ج ۲، ۱۰۸)

با احیای فرهنگ مهدویت، شعر پارسی نیز جانی تازه یافت و حلاوتی و حرارتی نو در آن دمیده شد و شاعران با شعور ایران‌زمین، در ابعاد مختلف به نشر و ترویج فرهنگ با عظمت مهدویت پرداختند. بسیاری از شعرای بنام معاصر نیز که برخی هنوز در قید حیات‌اند، آثاری گران‌سنگ در زمینه شعر مناقبی دارند که برای نمونه می‌توان از محمود شاهرخی (جذبه)، عباس کی‌منش (مشفق کاشانی)، حمید سبزواری، علی معلم، سید علی موسوی گرمارودی، قیصر امین‌پور، سید حسن حسینی، نصرالله مردانی، علی‌رضا قزوه، حسین آهی، خسرو احتشامی، غلامحسین جواهری (وجدی)، عبدالجبار کاکایی، قادر طهماسبی (فرید)، محمدجواد محبت، عباس براتی‌پور، حسین اسرافیلی، سیمین‌دخت وحیدی، محمدجواد غفورزاده (شفق)، علی انسانی، سیدرضا مؤید و غلامرضا سازگار نام برد.
در این دوره، شعرای فارسی را به دو دسته تقسیم می‌کنیم که شعر مهدوی را در آثار هر دو دسته می‌توان ملاحظه کرد: ۱. شاعران درباری، ۲. شاعران آیینی.

یکم. شاعران درباری

شاعران درباری به آن دسته از شعرایی اطلاق می‌گردد که ارتزاق آن‌ها از طریق شعر است و در واقع با تعریف و تمجید از ممدوح که همانا حاکم یا از درباریان بانفوذ و دارای مکتب و ثروت است پاداش دریافت می‌کنند. از این‌رو هم و غم چنین شعرایی، چاپلوسی و برشمردن اوصافی است که ممدوح را به ذوق آورد و این انبساط خاطر و خوش‌آمدن درونی او را به گشاده‌دستی سوق دهد. با این حال، در حین بیان فضایل ممدوح به حق یا ناحق، ذکر حضرت مهدی را به عنوان نماد عدالت، کفرستیزی، مبدع نظم نوین، دجال‌ستیز و... آن هم برای قیاس با ممدوح و به رخ کشاندن اوصافش مطرح کرده‌اند؛ به گونه‌ای که عنصری در وصف سلطان غزنوی می‌سراید:

سیاست تو به گیتی، علامت مهدی ست کجا سیاست تو، نیست فتنه دجال

(عنصری بلخی، ۱۳۴۲: ۱۶۷)

عنصری در ستایش امیر ابوالمظفر نصر فرزند ناصرالدین سبکتکین می‌گوید:
یکی گوید که مهدی گشت پیدا یکی گوید: زبی، الله اکبر

(همو: ۴۰)

ابومنصور قطران تبریزی ملقب به امام الشعراء (م ۴۶۶ ق) به مناسبت زلزله

شهر تبریز، ویرانی‌های ناشی از این بلای طبیعی را به تصویر کشیده و فتنه دجال را فراگیر دیده است:

همی به دیده بدیدم چو روز رستاخیز ز پیش، رایت مهدی و فتنه دجال

(قطران تبریزی، بی تا: ۳۰۷)

سروده‌های دیگر شاعران درباری نیز از همین دست است.

دوم. مهدویت در شعر آیینی

حضرت مهدی علیه السلام در اشعار مناقبی شعرای آیینی، دارای حضوری گسترده است؛ حضوری که در قسمت اعظمی از شعر آیینی جریان دارد و مسائلی مانند غیبت، ظهور، فرج، انتظار و یاران آن حضرت در زمانه غیبت، در شعر مهدوی مطرح است. در این قسمت می‌توان از سروده‌های شاعرانی همچون سنایی، عطار، حافظ، خواجو و... که تمامی آن‌ها از مشاهیر ادب فارسی و سنی مذهب هستند، نمونه‌هایی را شاهد آورد. از دوره سبک هندی به بعد به‌ویژه شعر معاصر، رویکرد شاعران آیینی به موضوع غیبت و ظهور، به روی مشتاقان منجی عدالت‌گستر باز شده است.

دلایل شوق و دلدادگی

شاعران در سرایش شعر مهدوی به یکسری چشم‌اندازهای دلکش نظر داشته‌اند که هر لحظه نویدبخش روح جست‌وجوگر آن‌هاست که باعث رونق هرچه بیشتر این درون‌مایه شده است؛ از جمله:

۱. آرزوی عدالت‌گستری

تنگنای خفقاگونه جهان، شاعران را بر آن داشته که آرزوی ظهور منجی عدالت‌گستر را همواره در قلب و جانشان مزه‌مزه کنند و در کلام سراینده‌گان، نماد واقعی عدالت، دوران امام عصر است.

بلقیس بانوان و سلیمان شه، اخستان کز عدل و دین مبشر مهدی، زمان

(خاقانی، ۱۳۴۴: ۷۷)

یا الهی! مهدی‌ای از غیبت آر تا جهان عدل گردد آشکار

(عطار نیشابوری، ۱۳۴۵: ۷)

۲. جهان تازه

امید به برپایی جهانی با جلوه‌های پررنگ و ساختار دینی و دمیدن هوایی تازه در جهان کلام شاعران را معطوف خود نموده است.

مانا که بهر تاختن مرکبان عقل مهدی به عالم آمد و میدان تازه کرد

(خاقانی، ۱۳۴۴: ۱۱۱)

۳. دجال‌سوز

ظهور امام عصر در دورانی است که ظلم و ستم رو به افول و نزول می‌گذارد و ظالمان و فاسدان راهی دیار گمنامی و عدم می‌گردند:

به تأیید مهدی خصلی که تیغش روان‌سوز دجال طغیان نماید!

(همو: ۱۳۸)

۴. مغرب‌نشین است

از دیدگاه شاعران ایرانی، حضرت در سرزمین مغرب نزول فرموده است؛ زیرا مغرب را محل غروب، یعنی پنهان شدن خورشید می‌دانستند. لذا از دیدگاه نظامی _ شاعر اهل سنت _ حضرت خورشیدی است که از

نظرها غایب شده است:

چو مهدی گرچه شد مغرب
گذشت از سرحد مشرق، یتاقش
(نظامی گنجوی، بی تا: ۲۵)

۵. منجی است

ظهور حضرت باعث رهایی هر آدم دربند است:
از آن عهده که در سر دارد این
اگر توفان بادی سهمناک است
بدین مهدی، توان رستن ازین مهد
سلیمانی چنین دارد، چه باک است؟
(همو: ۲۸)

این بیت همچون سروده سعدی در وصف پیامبر است:

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو
چه باک از موج بحر آن را که باشد نوع
(سعدی، ۱۳۸۲: ۳۲)

۶. غیبتش معجزه است

همچنان که ظهور امام تحول و شگفتی بزرگی قلمداد می‌شود، غیبتش نیز معجزه است و حکمت الهی
برشمرده می‌شود:
که مهدی آرد در جهان، پنهان کند او را چو
از دیده نامحرمان، ما العشق الا معجزه!

(فیض کاشانی، ۱۳۷۱: ۴۱۳)

۷. روشنگر دین است

امام عصر دین اسلام را از ابهام و آلودگی به خرافات و گرایش‌ها انحرافی رهایی می‌بخشد:
حضرت صاحب زمان، محمد هادی مهدی موعود و دین حق را تبیان
(ادیب کرمانی، ۱۳۷۶: ۷۴)

ای شرع تو، مروج دین پیمبری
زیب از تو یافته روش شرع گستری
فتوای او که نسخه عیسای ملت است
جان‌ها دمیده در تن شرع پیمبری
(طالب آملی، بی تا: ۱۰۷)

۸. مجموع صفات نیک است

خواجوی کرمانی در سروده‌ای دلکش و دل‌انگیز به بر شمردن اوصاف حضرت می‌پردازد. این شاعر بلند
قدر و خلاق که به نخل‌بند شعرا^۱ معروف است از شعرای اهل سنت به شمار می‌آید که اوصاف حضرت را به
نیکی و با جزئیات دقیق برشمرده است. او چنین می‌سراید:

به مقدم خلف منتظر، امام همام
شیخ خضر قدوم و خلیل کعبه مقام
شعیب مدین تحقیق، حجة القائم
عزیز مصر هدی، مهدی سپهر غلام

^۱. کسی که مضامین بکر و بدیع را به زیبایی ایجاد کرده است

خطیب خطه افلاک، منهی ملکوت
شاه ممالک دین، صاحب الزمان که زمان
به انتظار وصول طلوعش، خورشید
زند درفش درفشنده صبحدم بر بام
ادیب مکتب اقطاب، محیی اسلام
به دست رایض طوعش سپرده است
(خواجوی کرمانی، ۱۳۴۸)

۹. از نسل پاک نبوت است
سرایندگان فارسی تأکید داشته‌اند که ایشان از اعقاب و فرزندان پاک نبی است:
مهدی که از نهال وجود، آخرین بر
او نیز، میوه‌ای ز نهال محمد است
(اهلی شیرازی، ۱۳۴۴:۴۲۴)

۱۰. حکمش نافذ است
فرمان امیر عصر قاطع و نافذ و محکم است:
امرش همچون قضای مبرم، نافذ
حکمش همچون قدر به کار،
(ادیب کرمانی، ۱۳۷۶:۷۵)

ظهور مهدی قائم که چون سلیمان
مسخرند به رغبت، وحوش و جن و
(ابن حسام، ۱۳۶۶:۳۳۹)

۱۱. محو کننده بدعت‌هاست
عصر ظهور زمانی است که بدعت‌ها دامن دین را آلوده و آغشته کرده، امام با ظهرش بدعت‌ها را می‌زداید.
تا نیاید دامن عهدهت به کف، ایام را
کی تواند پاک شد از گرد بدعت روی
(واعظ قزوینی، ۱۳۵۹:۵۲۰)

۱۲. دوستداران روسپیدند
مهرورزان حضرتش مورد عنایت و توجهات خاص ایشان قرار می‌گیرند:
چون نباشد بر سر بازار مدشر، رو
هر که چون مه گشت نور مهر او را
(مجاهدی، بی‌تا: ۳۸۸)

۱۳. جلالش جلیل است
کعبه جلال و عظمت آن حضرت سخت رفیع است:
قصر جلالش چنان رفیع که
وهم و گمان را بدان رسیدن
(ادیب کرمانی، ۱۳۷۶:۷۵)

۱۴. راست قامت است
گل‌عداری ز گلستان جهان ما را بس
زین چمن سایه آن سرو روان ما را
(حافظ شیرازی، ۱۳۸۷:۳۶۳)

با توجه به روایت امام صادق علیه السلام این بیت را در وصف حضرت قائم پنداشته‌اند
مهدی علیه السلام راست قامت است ولی نه در حد دراز، چهار شانه است و سینه فراخ و پیشانی باز دارد. (مجلسی،
۱۴۰۳: ۱۴۰۳ ج ۵: ۳)

۱۵. مشکین چشم است

خال مشکین که بر آن عارض گندمگون است

سرّ آن دانه که شد رهن آدم با اوست

(حافظ شیرازی، ۱۳۸۷: ۸۱)

ای روی ماه منظر تو نوبهار حسن خال و خط تو مرکز حسن و مدار

(همو: ۵۳۶)

در حدیثی از علی علیه السلام چنین می‌خوانیم:

مهدی علیه السلام دیدگانی مشکلی، موهای پرپشت، چهره‌ای چون ماه تابان و خالی بر گونه را ست دارد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲: ۵۱)

۱۶. منتقم خون سالار شهیدان است

امام عصر علیه السلام با ظهورش انتقام جدش امام حسین علیه السلام را از خاندان یزید می‌گیرد:

اینک ظهور مهدی آخر زمان رسید
بعد از هزار سال، به شمشیر انتقام
شکر خدا که شاه به خون‌خواهی
دل‌ها ز بار غصه، سبکبار کرده است

(اهلی شیرازی، ۱۳۴۴: ۴۲۵)

۱۷. هماره ظفرمند است

قیام حضرت به گونه‌ای است که فتح و ظفر در رکاب حضرت حرکت می‌کنند؛ چنان‌که حزین لاهیجی در وصف حضرت می‌گوید:

دست قدر امروز در آن قبضه تیغ پشت ظفر امروز بر آن پشت کمان

(حزین، ۱۳۷۴: ۶۲۹)

۱۸. خصایص عصر ظهور در شعر شاعران

بروز فتنه‌ها در آخرالزمان در اثر پیدا شدن دجال با ویژگی خاص خودش _ از قبیل: یکچشمی (اعور)، کریه‌المنظر بودن، خر سوار و... _ از هشدارهای ادیبان فارسی است؛ به‌ویژه شعرای اهل سنت بیشتر به این موضوع پرداخته‌اند:

خنجر او، چو حربۀ مهدی‌ست که به دجال اعور اندازد

(خاقانی، ۱۳۴۴: ۱۳۸)

کجاست صوفی دجال‌چشم ملحدشکل؟ بگو بسوز که مهدی دین‌پناه رسید

(حافظ شیرازی، ۱۳۸۷: ۳۲۷)

۱۹. رکاب‌دارن ظهور

در شعر فارسی از شخصیت‌های معتبری نام برده می‌شود که همراه و هم‌دوش امام به امر قیام کمک می‌کنند؛ از جمله حضرت عیسی علیه السلام:

در قبه: مهد مهدی، در قبله: عهد عیسی

در فرضه: روض جنت، در روضه: حوض

(خاقانی، ۱۳۴۴: ۱۸۷)

به مقدم خلف منتظر، امام همام مسیح خضر قدوم و خلیل کعبه مقام

(خواجوی کرمانی، ۱۳۴۸)

۲۰. اصفهان محل خروج دجال

در این اشعار، بارها به چاه اصفهان به عنوان محلی که دجال از آنجا سر برافراشته و دعوت ضلالت بخش خود را آشکار می‌سازد اشاره شده است:

ذات او مهدی است از مهد فلک زیر ظلم دجالی ز چاه اصفهان انگیزته

(خاقانی، ۱۳۴۴: ۴۰۵)

مشابه روایاتی که در باب خروج دجال از سیستان، خراسان، فلسطین و... دیده شده است، روایات ضعیفی مبنی بر خروج دجال از اصفهان نقل شده که قابل استناد نیستند. در عین حال، در شعر فارسی شاهد رد شدن نظریه اصفهان نیز هستیم:

چاه صفاهان مدان نشیمن دجال مهبط مهدی شمر فناء صفاهان

(همو: ۳۵۸)

۲۱. بیرق برافراشته

حضرت مهدی علیه السلام در هنگام ظهور، پرچم اسلام را به جهانیان عرضه می‌کند:

یکی، گنج محمود پرداخته یکی، رایت مهدی افراخته

(خواجوی کرمانی، ۱۳۴۸: ۲۳۸)

۲۲. جهان غرق در فساد

زمانی که جهان در شرایط نامطلوب فرو رفت و ساکنانش در غفلت غرق شدند زمینه ظهور است. باز هم شاعران شیعه و سنی در بیان این عقیده اشتراک نظر دارند:

ای سنایی، پند کم ده، کاندرا آخر در زمین مشتی خر و گاو سر و بر

(سنایی، ۱۳۸۸: ۱۵۰)

عالم از جور و از ستم، پر شد الوحا! الوحا! جعلت فداک!

(فیض کاشانی، ۱۳۷۱: ۳۴۸)

خواجوی کرمانی در منظومه گل و نوروز در سروده‌ای به زیبایی جهان آخر الزمان را

ترسیم می‌کند:

دگر پرسید: از بحر معانی

مراد از فتنه آخر زمان چیست؟

جوابش داد کز استاد کتاب

که جز عیسی، فلک در آخرین عهد

زمانی، کآن زمان باستان بود

کنون ما خود در این ره، را ندگانیم

چو ابر بهمنی در درفشانی

به عهد آخرین، صاحب زمان کیست؟

حدیثی کرده ام اصفا در این باب

نبیند هیچ مهدی را، در این مهد!

نه آخر آن زمان آخر زمان بود

چه پیش آییم؟ کز پسرماندگانیم

نرفته، کی زمانی با خود آییم؟ که در آخر زمان، خود فتنه مایی
(خواجوی کرمانی، ۱۳۵۰:۳۴۷)

عالم از ظلمت، سواد شب آخر ای خورشید تابان، تا به
(ابن حسام، ۱۳۶۶:۱۲۵)

۲۳. انتظار پاک و صادقانه
برای نیل به دیدار آن امام همام باید از سر عشق و ارادت، انتظاری یقینی و
بی‌شائبه داشت:

صد هزاران اولیا رو بر زمین از خدا خواهند مهدی را یقین
(عطار، ۱۳۴۵:۷)

بعد از او، صاحب زمان کز سال‌های دیده‌ها در انتظار روی آن فرخ‌لقاست
(ابن‌یمین، ۱۳۴۴:۳۸)

ز اصل خاکش، ز نسل پاکش، امام مهدی هادی
چه روز باشد که بر سر افسر به پادشاهی دشم
(خوسفی، ۱۳۶۶:۱۵۲)

دوستان، درهم و پریشانند ز اشتیاق شما، جعلت فداک!
در فراق تو، تیره شد بر من هم زمین، هم سما، جعلت فداک!
جای آن است کز غم تو رود خونم از دیده‌ها، جعلت فداک!
رحم کن بر غریب خسته‌دلی بی‌کس و بی‌نوا، جعلت فداک!
چشم بر درگه تو دوخته‌ام به امید لقا، جعلت فداک!
(فیض کاشانی، ۱۳۷۱:۳۴۹)

۲۴. دوران شادی و نشاط است
عصر ظهور حضرت زمان شادمانی و فرح بی‌سابقه‌ای است که جهان آن‌سان به خود ندیده است:
موسی به کوه طور، به نور عیان توفیق وصل یار، عنان بر عنان رسید
(انوار، ۱۳۳۷:۱۶۳)

دلایل ذکر نام حضرت در کلام شاعران
اگرچه شاعران مسلمان اعم از شیعه و سنی بنا به ارادتی که به حضرت داشته‌اند، تمایل به ذکر نام والاگهر
ایشان دارند، انگیزه‌هایی نیز باعث شده است بیشتر به یادکرد نام حضرت پردازند، از جمله:
۱. فساد زمانه شاعران

آلودگی جامعه دوران شاعران سبب شده است با ذکر نام حضرت، زمینه را برای بیان این آلودگی‌ها مناسب
بدانند و با آرزوی ظهور آن حضرت امید به از بین رفتن این فتنه‌ها داشته باشند:
دجالیان به فتنه و غوغا برآمدند مهد جلال مهدی دشمن‌فکن بیا

(ابن‌حسام، ۱۳۶۶:۳۳۲)

۲. شکایت از حاکمان وقت و اوضاع زمانه

دیوان طمع به ملک سلیمان همی کنند هان ای شهاب و صاعقه تیغزن بیا

(همو: ۳۳۲)

۳. آرزوی ظهور

حزین لاهیجی این‌گونه درمندی خودش را در شوق زیارت حجت بیان می‌کند:
تا دیده ز دل، نیم‌قدم ره به میان است از پرده برآ! چشم جهانی نگران است

(حزین لاهیجی، ۱۳۷۴: ۶۲۹)

۴. ذکر القاب و صفات حضرت

امام امم، صاحب عصر، مهدی که نامش علم شد به مشکل‌گشایی
فلک، کرده هر صیح با کاسه مهر ز دربار دردی کشانش، گدایی

(همو: ۶۳۱)

۵. معرفی مهدی علیه السلام به عنوان مصلح جهانی

وجودش چراغی به فانوس دان جهانی ازو روشن و خود نهان

(واعظ قزوینی، ۱۳۵۹: ۶۲۲)

تبیین رسالت‌های جهانی امام زمان علیه السلام

انعکاس این رسالت که ابعاد جهانی دارد، در شعر فارسی شامل مواردی همچون مبارزه بنیادی و فراگیر با بیداد و بیدادگران در عرصه جهانی، رویارویی تمام‌عیار با کفر جهانی و ایادی آن، برقراری نظام قسط و عدل واقعی در گستره جهان، تحقق جهان‌شمولی دین مقدس اسلام و احیای ارزش‌های دینی، برقراری حکومت جهانی اسلام، حاکمیت فرهنگ اصیل اسلامی، رسوایی داعیه‌داران دروغین مهدویت و تبیین زشتی و پلیدی دجالان است.

شاعرانی که در شعرشان به حضرت پرداخته‌اند

موضوعات مختلف شعر انتظار

در اشعار شاعران انقلاب اسلامی که به انتظار و ظهور امام زمان علیه السلام پرداخته‌اند، موضوعات ذیل به چشم می‌خورد:

۱. امام زمان علیه السلام و شهدا، ۲. ارتباط عاشورا و قیام حضرت مهدی علیه السلام، ۳. تمنای وصال، ۴. شرح هجران و شکوه از ایام فراق، ۵. اظهار عشق و محبت به امام مهدی علیه السلام، ۶. سیمای مختلف حضرت ولی عصر علیه السلام، ۷. نزدیکی شدن ظهور امام زمان علیه السلام، ۸. جهان قبل از ظهور، ۹. جهان پس از ظهور، ۱۰. مسجد جمکران و امام عصر علیه السلام، ۱۱. رجعت و ظهور امام مهدی علیه السلام، ۱۲. انتقام گرفتن از دشمنان اهل بیت علیهم السلام.

نتیجه‌گیری

با سیری اجمالی بر آنچه نقل شد می‌توان چنین نتیجه گرفت:

_ درون‌مایه شعر غیبت و انتظار در پهنه ادب فارسی از ابتدا تا انتها گسترده شده است.

_ با نگاهی عمیق می‌توان دریافت که هر چه به دوران معاصر نزدیک‌تر می‌شویم،

شعر از فضای غیبت بیشتر به فضای انتظار منتقل می‌گردد. در واقع هرچه زمان غیبت امام طولانی‌تر می‌شود، چشم‌به‌راهی برای فرج نیز افزون‌تر و تشنگی ملاقات شدیدتر می‌شود.

_ نام حضرت مهدی علیه السلام در شعر فارسی به عنوان سمبل و الگویی است که شعرای مداح ستایش ممدوح آن را به کار می‌گیرند تا با نمادی کامل قیاس گردند. در کل این نوع سنجش از جهت ادبی خلاف مذهب کلامی است.

_ سروده‌های مهدوی در ادب فارسی از قرن ششم اوج می‌گیرد و از قرن هشتم به بعد کاملاً فراگیر می‌شود.

_ سیر سرایش سروده‌های مهدوی را از قرن ده و یازده می‌توان در نهایت درخشش ملاحظه کرد.

_ انقلاب اسلامی با شعارهای ویژه خود به شعر غیبت و انتظار شتاب مضاعف می‌بخشد تا جایی که انقلاب ایران را مقدمه ظهور منجی آخرالزمان قلمداد می‌کنند.

_ بخشی عمده از سروده‌های شعرای فارسی‌زبان اهل سنت هستند. گویی اعتقاد به نحله و مذهب خاص باعث غفلت از این اصل تشکیک‌ناپذیر اسلامی نشده است.

_ شعرای عارف و صوفی‌مسلك ایران نیز در دیوان‌های خود به شعر انتظار و غیبت توجهی ویژه نثار کرده‌اند.

_ محدودیتی در قالب‌های فارسی برای سرودن شعر مهدوی دیده نمی‌شود، به گونه‌ای که تقریباً در تمام قالب‌ها، این نوع مضامین را می‌توان یافت؛ قالب‌هایی از قبیل رباعی، مثنوی، دوبیتی، قصیده، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مسمط، سرود و شعر آزاد از این دست قالب‌ها به شمار می‌روند.

_ ابن‌حسام خوسفی در بین شاعران فارسی در سرودن اشعاری در منقبت امام علیه السلام جایگاهی ویژه دارد.

منابع

- انوار، قاسم، *کلیات اشعار*، تصحیح: سعید نفیسی، تهران، انتشارات سنایی، ۱۳۳۷ ش.
- اهلی شیرازی، محمد بن یوسف، *کلیات اشعار*، به کوشش: احمد ربانی، تهران، انتشارات سنایی، ۱۳۴۴ ش.
- حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد، *دیوان اشعار*، به کوشش: خلیل خطیب رهبر، تهران، انتشارات صفی‌علیشاه، چاپ چهل و چهارم، ۱۳۸۷ ش.
- حزین لاهیجی، محمدعلی بن ابوطالب، *دیوان اشعار*، تصحیح: ذبیح‌الله صاحبکار، دفتر نشر میراث مکتوب، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
- خاقانی شروانی، بدیل بن علی، *دیوان اشعار*، به اهتمام: محمدتقی مدرس رضوی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۴۴ ش.
- خمینی، سید روح‌الله، *صحیفه نور*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱ ش.
- خواجوی کرمانی، محمود بن علی، *منظومه گل و نرروز*، به اهتمام: کمال عینی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰ ش.
- _____، *منظومه همای و همایون*، تصحیح: کمال عینی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگی ایران، ۱۳۴۸ ش.
- خوسفی، ابن‌حسام، *دیوان اشعار*، به اهتمام: احمد احمدی بیرجندی و محمدتقی سالک، مشهد، اداره کل حج و امور خیریه استان خراسان، ۱۳۶۶ ش.
- دوانی، علی، *مهدی موعود* (ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار) تهران، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
- سعدی شیرازی، مصلح‌الدین بن عبدالله، *گلستان سعدی*، بر اساس نسخه محمدعلی فروغی، تهران، نشر سرایش، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
- سعدی، مصلح‌الدین بن عبدالله، *گلستان سعدی*، به کوشش: دکتر خطیب رهبر، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۴۸ ش.
- سنایی غزنوی، مجدود بن آدم، *دیوان اشعار*، به اهتمام: مدرس رضوی، تهران، انتشارات سنایی، چاپ هفتم، ۱۳۸۸ ش.
- طالب آملی، محمد، *کلیات اشعار*، به تصحیح: محمد طاهری‌شهاب، تهران، انتشارات سنایی، بی‌تا.
- عطار نیشابوری، فریدالدین محمد بن ابوبکر، *مختارنامه*، مقدمه و تصحیح: دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۷۵ ش.
- _____، *منظومه مظهر العجایب و مظهر الاسرار*، تصحیح: احمد خوش‌نویس (عماد)، تهران، انتشارات سنایی، ۱۳۴۵ ش.
- عنصری بلخی، حسن بن احمد، *دیوان اشعار*، به کوشش: محمد دبیر سیاقی، تهران، انتشارات سنایی، ۱۳۴۲ ش.
- فریومدی، ابن‌یمین، *دیوان اشعار*، تصحیح: حسین‌علی باستانی‌راد، تهران، انتشارات سنایی، ۱۳۴۴ ش.
- فیض کاشانی، محمد مدسن، *دیوان اشعار*، تصحیح: مصطفی فیضی کاشانی، تهران، انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۳۷۱ ش.
- قطران تبریزی، ابومنصور، *دیوان اشعار*، تهران، انتشارات ققنوس، چاپ اول، بی‌تا.
- مجاهدی، محمدعلی، *خوشه‌های طلایی*، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ دوم، بی‌تا.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
- مصاحبی نایینی، علی، *تذکره مدینه الادب*، تهران، کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
- نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف، *منظومه خسرو و شیرین*، تصحیح: حسن وحید دستگردی، به کوشش: سعید حمیدیان، تهران، نشر قطره، بی‌تا.
- واعظ قزوینی، محمدرفع، *دیوان اشعار*، به کوشش: دکتر سید حسن سادات ناصری، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علی اکبر علمی، ۱۳۵۹ ش.

